

اگر در سال ۱۴۰۰ یک کارگر حداقل بگیر باید ۹۹ سال منتظر می ماند تا صاحب خانه شود این زمان انتظار برای همان کارگر در سال ۱۴۰۲ به ۱۷۸ سال رسیده است.

قیمت مسکن ۶.۵ برابر اما دستمزد کارگر ۲.۱۱ افزایش یافته؛



گزارش «قدرت خرید و زمان انتظار خانه دار شدن» مرکز آمار ایران قدرت خرید مسکن در سال ۱۴۰۰ بعد از کسر هزینه های زندگی را ۴۷ سال برآورد کرده است.

به گزارش اسپادانا خبر، این گزارش در روزهای میانهی تیرماه توسط مرکز آمار ایران ارائه شده است.

به ادعای این گزارش با درآمد متوسط سالانهی هر ایرانی که در سال ۱۴۰۰ شمسی ۱۱۲ میلیون و ۴۲۱ هزار تومان بوده در صورتی که خانواده هزینه های حداقلی زندگی شامل خوراکی ها و غیرخوراکی ها را بپردازد برایش در پایان سال ۱۹ میلیون و ۹۲۰ هزار تومان پس انداز باقی می ماند که برای خرید یک آپارتمان ۸۰ متری که متوسط قیمت آن در سال ۱۴۰۰ برابر متری ۱۱ میلیون و ۸۰۸ هزار تومان است باید ۴۷ سال انتظار بکشد.

این گزارش متوسط درآمد سالیانهی خانوارهای کشور در سال ۱۴۰۰ را ۱۱۲ میلیون و ۴۲۱ هزار تومان در نظر گرفته که برابر ماهی ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است؛ چنین خانواده ای با این درآمد که از یک نظام متوسط گیری عادلانه بیرون نیامده و با متوسط واقعی درآمد مزدبگیران در سال ۱۴۰۰ فاصلهی معناداری دارد باید ۴۷ سال تمام صبر کند تا یک آپارتمان متوسط ۸۰ متری بخرد و البته این معادله در شرایطی برقرار است که در مدت ۴۷ سال قیمت مسکن افزایش نیابد یا در تمام این مدت افزایش درآمد خانوار همپای نرخ تورم پیش برود.

حال اگر نسبت گیری و روش همین گزارش را مبنا قرار دهیم و داده ها را با مولفه های مزدی کارگران حداقل بگیر که بیش از ۵۰ یا ۶۰ درصد شاغلان کشور را دربرمی گیرند به روز کنیم به نتایج جالبی می رسیم.

در سال ۱۴۰۰ دستمزد و مزایای مزدی یک کارگر حداقل بگیر بیمه شده با دو فرزند حدود ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بوده است. با همان معادلات گزارش مرکز آمار این کارگر برای خرید یک آپارتمان ۸۰ متری با متوسط قیمت ۱۱ میلیون و ۸۰۸ هزار تومان بایستی ۹۹ سال منتظر بماند.

در واقع در سال ۱۴۰۰ با متوسط درآمد ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی مرکز آمار زمان انتظار برای خانه دار شدن ۴۷ سال است اما با درآمد کارگری کمی بیش از ۴ میلیون تومان زمان انتظار به ۹۹ سال و چندماه یا به عبارتی حدود ۱۰۰ سال می رسد!

حالا دو سال جلوتر می آیم. در ۱۴۰۲ درآمد ماهانهی یک کارگر متاهل با دو فرزند حدود ۹ میلیون و ۲۰۰ یا ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است؛ براساس آخرین داده ها متوسط قیمت هر متر ملک مسکونی در تهران از ۴۷ میلیون تومان زمستان سال گذشته به ۶۵ میلیون تومان در بهار و ابتدای تابستان امسال رسیده است.

ما متوسط قیمت هر متر مسکن شهری در سراسر کشور را براساس داده های جمع آوری شده از پایگاه های اطلاعاتی موجود در کمترین حالت متری ۴۵ میلیون تومان در نظر می گیریم؛ با این حساب، درآمد کارگر حداقل بگیر در طول دو سال (از ۱۴۰۰ تا امروز) از ۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان به ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان رسیده یعنی ۲.۱۱ برابر شده اما متوسط قیمت مسکن در طول همین دو سال از متری ۱۱ میلیون و ۸۰۸ هزار تومان (بنا بر ادعای مرکز آمار) به هر متر ۴۵ میلیون تومان (براساس داده های بسیار تقلیل یافتهی استخراجی از بازار که مربوط به سراسر کشور است) رسیده یعنی ۳.۸ برابر شده است و این

ناترازی به معنای این است که دستمزد هرگز همپای تورم پیش‌روی نکرده است و به شدت عقب مانده است. اگر متوسط قیمت متری ۶۵ میلیون تومانی مسکن در تهران را در نظر بگیریم برای کارگر حداقل‌بگیر تهرانی قیمت مسکن در بازه‌ی دو ساله حدود ۶.۵ برابر شده در حالیکه دستمزدش یک رشد فقط ۲.۱۱ درصدی داشته است.

در مقیاس کشوری وقتی قیمت مسکن نسبت به سال ۱۴۰۰ رشد ۳.۸ برابری داشته اما رشد دستمزد فقط ۲.۱۱ برابر بوده به معنای این است که به فرض حفظ تناسب دستمزد- هزینه‌های زندگی، در سال ۱۴۰۲ زمان انتظار برای خرید مسکن به نسبت دو سال قبل، ۱.۸ افزایش یافته است؛ به عبارت ساده‌تر اگر در سال ۱۴۰۰ یک کارگر حداقل‌بگیر باید ۹۹ سال منتظر می ماند تا صاحب خانه شود این زمان انتظار برای همان کارگر در سال ۱۴۰۲ به ۱۷۸ سال رسیده است. در واقع بیش از دو برابر عمر یک کارگری که خیلی خوب عمر کند!

در واقع یک کارگر حداقل‌بگیر باید بیش از ۱۷۰ سال کار کند و بخشی از درآمد خود را هر ماه پس‌انداز کند تا بتواند یک آپارتمان ۸۰ متری خریداری کند و این در حالیست که در واقعیت چنین معادله‌ای به دیوار بسته برمی‌خورد چراکه یک کارگر بی‌خانه که مستاجر است اصولاً توان پس‌انداز ماهانه ندارد؛ همان اجاره خانه را «اگر» بتواند پردازد خیلی هنر کرده، تازه اگر بتواند و این مشکلات فقط مختص تهران نیست؛ پرویز زعیمی (فعال صنفی کارگران رشت) معتقد است «کارگران در تمام شهرهای کشور برای مسکن تحت فشار هستند و این اعداد و ارقام فقط روی کاغذ و انتزاعی معنا می‌دهد؛ در واقعیت کارگران نمی‌توانند حتی در حاشیه‌ی شهرها اجاره خانه بدهند چه برسد که با هدف خانه خریدن پس‌انداز کنند».

به گفته وی مهم‌ترین دغدغه‌ی کارگران امروز «خانه» است؛ «وقتی هزینه‌های حداقلی زندگی بدون اجاره خانه دو برابر حداقل دستمزد است چطور می‌شود سرپناه فراهم کرد؟ پاسخ مسئولان به این معادلات بی‌جواب چیست؟»

کارگران با این شرایط خانه‌دار نمی‌شوند حتی گزارش‌های رسمی مثل گزارش مرکز آمار که مبنای این نوشته قرار گرفته، این گزاره‌ی غمبار را اثبات می‌کنند. در این شرایط، وعده‌ی «ساخت یک میلیون مسکن» یا به گفته‌ی محمد حسینی معاون رئیس جمهور «ساخت ۴ میلیون مسکن در طول چهار سال» چرا هیچ نمودی در دنیای واقعیت نداشته است؟ چرا در این مدت حتی ۵۰۰ هزار کارگر بی‌خانه صاحبخانه نشدند؟

منبع | ایلنا

برچسب‌ها: [گرانی](#) [1]  
[دولت](#) [2]  
[حقوق کارگران](#) [3]